

## نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی

### احکام صادره

کلاس پرونده: ۱۳/۱۳۳۱۰

حکم شماره: ۱۵۸-۲۰/۶/۱۳۸۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رئیس، سیداحمد مرتضوی مقدم و رسول فرهودی اعضای دادگاه.

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای ..... نسبت به دادنامه ۱۰۹۵-۲۶/۷/۸۴ شعبه سوم دادگاه انتظامی وکلا.

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۱۲/۶/۸۱ آقای ..... شکایتی علیه آقای ..... وکیل دادگستری در کانون وکلای مرکز مطرح نموده که با کلاس ۳۶۳/۸۱ در دادرسی انتظامی کانون مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به اعلام نظر مورخ ۱۲/۷/۸۲ دادیار دادرسی انتظامی کانون مزبور بشرح زیر شده است:

«... پرونده کلاس ۳۶۳/۸۱ موضوع شکایت آقای ..... علیه آقای ..... مبنی بر اینکه مشتکی عنه با تبانی با طرف مقابل وی او را از جریان پرونده و صدور حکم بی اطلاع گذارده و مآلاً با عدم تجدیدنظرخواهی و قطعیت رأی بدوی بدون اطلاع از جریان بابت عدم اجرای حکم بازداشت و زندانی شده است وی در مورد چگونگی پرداخت حق الوکاله توضیح داده که بابت حق الوکاله یک فقره چک برگشتی به آقای وکیل داده و قرار شده که حق الوکاله را نقداً پرداخت کند ولی علی‌رغم اینکه مبلغ دو میلیون ریال توسط یکی از دوستانش به مشتکی عنه پرداخت شده لکن وی هنوز لاشه چک را به شاکی مسترد نداشته تقاضای جبران خسارت دارد. وکیل مشتکی عنه (که بتازگی پروانه

وکالت اخذ نموده) در پاسخ به شکواییه مزبور با بکار بردن الفاظی ناشایست و دور از شأن و کلا عدم رضایت خویش را از دعوی مطروحه ابراز نموده و در مورد شاکی توضیح داده که وی دارای سوابق سوء در دادگستری کرمان است و به دلیل بی تجربگی فریب او را خورده و مورد وکالت را قبول نموده و پس از صدور رأی بدوی مراتب را کتباً به شاکی اعلام نموده که چنانچه اعتراضی به رأی صادره دارد با مراجعه به دفتر وکالت و پرداخت هزینه دادرسی اقدام مقتضی معمول گردد که نامه مزبور به دلیل شناخته نشدن گیرنده در محل برگشت خورده در مورد حق الوکاله نیز مطلقاً وجهی از شاکی نگرفته و چک اولیه نیز مربوطه به سال ۵۶ بوده که بدیهی است فاقد اعتبار پرداخت می‌باشد.

**نظریه:** درخصوص شکواییه مطروحه اولاً نظر به اینکه شاکی دلیلی بر پرداخت وجه الوکاله ارایه نداده و صراحتاً چک را بلامحل اعلام نموده و ظاهر در عدم پرداخت حق الوکاله است. ثانیاً با توجه به گزارش آقای.... کارآموز وکالت که از پرونده تهیه نموده اقدامات وکیل مشتکی عنه در دفاع از موکل احراز می‌گردد و با توجه به اینکه اقدام مشتکی عنه در اعلام مراتب صدور رأی به موجب نامه پیوست لایحه ایشان احراز می‌گردد اگرچه عدم شناسایی موکل در محل ظاهراً بیانگر عدم دقت وکیل مشتکی عنه در ثبت و استعلام نشانی دقیق موکل است و در وکالتنامه نیز به روشنی به چشم می‌خورد و اولی این بود که وکیل مزبور دادخواست تجدیدنظر را در وقت تقدیم و سپس استعفا می‌داد و عدم استعفای ایشان و یا عدم ثبت اعتراض شایسته نمی‌باشد لیکن تخلف محسوب نمی‌گردد (و چقدر بهتر بود که ایشان با توجه به شأن وکالت در نگرش لایحه دفاعیه دقت لازم مبذول می‌فرمودند) لذا نظر به عدم تعقیب پرونده دارم.

معاون دادرسی انتظامی کانون در ذیل این نظریه مرقوم داشته است:

«به حکایت اوراق پرونده و گزارش ۸۲/۴/۲۱ کارآموز محترم وکالت آقای..... برابر وکالتنامه ۲۵۶۷ اختیار تجدیدنظرخواهی داشته لیکن بدون استعفا از وکالت یا عزل توسط موکل اقدامی برای تجدیدنظر از دادنامه ۴۵۴ - ۸۰/۴/۳۱ که به او ابلاغ شده معمول نداشته است و این امر تخلف است بعلاوه مندرجات لایحه نامبرده شماره ۱۲۸۹ - ۸۲/۶/۹ حاوی عبارات و کلمات دور از نزاکت احترام نسبت به موکل بوده و عملکرد او در فرض صحت عناوین نسبت به موکل با وجود قبول وکالت او و عدم استعفا



خلاف سوگند وکالتی است و مورد با بند ۳ ماده ۸۱ و بند ۱۰ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا می‌تواند منطبق باشد.»

و سپس کیفرخواست مورخ ۸۲/۷/۲۲ علیه آقای..... صادر گردیده و با انطباق مورد با بند ۱۰ ماده ۸۰ تقاضای صدور حکم مجازات درجه ۴ برای وی شده است.

این کیفرخواست در پرونده ۱۵۵/۸۲ شعبه سوم دادگاه انتظامی وکلای مرکز مورد رسیدگی قرار گرفته و به موجب رأی شماره ۵۲۷۷ - ۸۳/۳/۲۸ وکیل مشتکی عنه در خصوص ادای جملات خلاف احترام به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون و در مورد تخلف از قسم به سه ماه ممنوعیت از اشتغال به وکالت دادگستری محکوم شده است. با تجدیدنظرخواهی از این رأی موضوع در پرونده ۱۰۱۴/۳۰ دادگاه عالی انتظامی قضات مورد بررسی قرار گرفته و طبق دادنامه ۱۳ - ۸۴/۵/۱۸ بلحاظ ابطال بندهای ۵ و ۶ آیین‌نامه پرونده به منظور اتخاذ تصمیم مقتضی به کانون وکلای مرکز اعاده شده است این دادنامه طبق دادنامه ۱۳۴ - ۸۴/۵/۱۸ هم مورد تأیید قرار گرفته است و نهایتاً پرونده با کلاسه ۱۵۵/۸۲ - ۲۳۵/۸۴ مجدداً در شعبه ۳ دادگاه انتظامی وکلای مرکز مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور رأی ۱۰۹۵ - ۸۴/۷/۲۶ بشرح زیر شده است.

«در خصوص تخلفات انتسابی به آقای..... وکیل دادگستری مرکز به شرح کیفرخواست مورخ ۸۲/۷/۲۲ مشعر بر اینکه ایشان وکالت آقای..... را عهده‌دار بوده و پس از صدور حکم از دادگاه عمومی شعبه ششم کرمان و ابلاغ رأی به مشارالیه اولاً در موعد قانونی اقدام به تجدیدنظرخواهی ننموده ثانیاً در لایحه مورخ ۸۲/۶/۴ تقدیمی به دادسرای انتظامی کانون جملات خلاف احترام از قبیل شیاد، شرخر و غیره بکار برده است که با توجه به محتویات پرونده و مندرجات لایحه مورخ ۸۲/۶/۴ و گزارش کارآموز مبنی بر عدم تجدیدنظرخواهی در مهلت مقرر و قبول این عمل از ناحیه آقای..... تخلفات انتسابی ثابت است و در خصوص ادای جملات خلاف احترام منطبق است با بند ۱۰ ماده ۸۰ آیین‌نامه استقلال کانون وکلا در قسمت عدم تجدیدنظرخواهی عدم اقدام به وظیفه قانونی و تخلف از قسم محسوب و مجازات آن منطبق است با بند ۳ ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون و شق ۴ ماده ۵۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ لذا با

رعایت مواد مزبور و رعایت ماده ۸۳ آیین‌نامه استقلال بلحاظ اینکه سابقه محکومیت از وکیل مشتکی عنه مشهود نیست دادگاه آقای..... وکیل دادگستری کرمان را در مورد ادای جملات خلاف احترام به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا و در مورد تخلف از قسم بر طبق بند ۴ ماده ۵۱ قانون ۱۳۱۵ به سه ماه ممنوعیت از اشتغال به وکالت محکوم می‌نماید رأی در موعد قانونی قابل اعتراض تجدیدنظر در دادگاه انتظامی قضات می‌باشد.»

این دادنامه طی نامه شماره ۸۴/۷۰/۲۳۳/ج - ۸۴/۸/۲۴ جهت اطلاع آقای..... ارسال گردیده و مشارالیه طی لایحه‌ای که به شماره ۲۹۰۰ - ۸۴/۹/۱۲ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده به رأی صادره اعتراض نموده است ریاست کانون وکلای مرکز نیز حسب لایحه‌ای که به شماره ۳۴۵۵ - ۸۴/۱۱/۱۱ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده ضمن پاسخ به لایحه آقای..... رد تجدیدنظرخواهی را خواستار شده است. متن کامل لوایح مزبور هنگام شور قرائت می‌شود.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب مذکور در فوق تشکیل است با بررسی مندرجات اوراق پرونده، قرائت گزارش تهیه شده و لوایح ارسالی و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی دادگاه:

با توجه به مراتب مزبور اولاً درخصوص قسمت اول دادنامه شماره ۱۰۹۵/۸۴ شعبه سوم دادگاه انتظامی وکلای مرکز و محکومیت آقای..... به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون با در نظر گرفتن ماده ۱۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مجازات مزبور برای وکیل مورد تعقیب قطعی بوده و اعتراض در این مورد قابل رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی قضات نمی‌باشد. ثانیاً درباب قسمت دیگر دادنامه و موضوع عدم تجدیدنظرخواهی اعتراض مؤثری که عدم توجه تخلف مذکور را به وکیل مربور ایجاب نماید اقامه نشده است نهایتاً موضوع معنون منطبق با بند ۱ ماده ۸۰ بنظر می‌رسد و بدین لحاظ و با عنایت به مجازات تعیین شده در بند ۴ ماده ۷۶ آیین‌نامه و رعایت تخفیف مطرح شده در دادنامه شعبه سوم دادگاه انتظامی وکلای مرکز و با تبدیل مجازات به سه ماه ممنوعیت مندرج در دادنامه ۱۰۹۵/۸۴ به مجازات درجه ۳ نتیجتاً



آقای... از جهت مذکور نیز به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می شود. این رأی قطعی است. /

کلاسه پرونده: ۱۰۳۳/۱۲

حکم شماره: ۱۵۰- ۱۳۸۵/۶/۱۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رئیسی، سیداحمد مرتضوی مقدم و رسول فرهودی اعضای دادگاه.

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای ..... نسبت به دادنامه ۱۱۰۳- ۸۴/۷/۱۸- شعبه پنجم دادگاه انتظامی وکلای مرکز.

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۸۱/۱۱/۷ آقایان ..... و ..... شکایتی علیه آقای ..... وکیل دادگستری در کانون وکلای مرکز مطرح نموده اند که در پرونده ۱۸/۸۲ دادرسی انتظامی کانون مزبور مورد رسیدگی قرار گرفته و منجر به اعلام نظر مورخ ۸۳/۵/۱۰ آقای دادیار انتظامی بشرح زیر شده است:

«... در خصوص پرونده انتظامی کلاسه ۱۸/۸۲ موضوع شکایت آقایان ..... بطرفیت آقای ..... وکیل دادگستری به استحضار می رساند شکات مزبور طی شکواییه ثبت شده به شماره ۲۰۸۲۱- ۸۱/۱۱/۷ اظهار داشته اند بعد از مراجعه به دفتر مشتکی عنه برای مشاوره و واگذاری انجام امور مشکلمان سه فقره چک یکی به شماره .... مورخ ۸۱/۱۰/۱۰ مبلغ بیست میلیون ریال دومی به شماره .... مورخ ۸۱/۱۱/۱۰ مبلغ سی میلیون ریال و سومی به شماره .... مورخ ۸۱/۱۲/۲۵ مبلغ چهل میلیون ریال به ایشان تسلیم نمودیم قرار بود مقدمات کار شروع و حکم جلب متهم را بگیرند اما باگذشت ۲۲ روز و عدم اقدام قضایی و علی رغم انحلال رابطه وکالتی فیما بین آقای ..... مشتکی عنه چک بیست میلیون ریال وصول نموده بودند و مطالبه ده میلیون ریال دیگر نیز داشتند

مشتکی عنه طی لایحه جوابیه خود ثبت شده به شماره ۶۲۴۰ - ۸۲/۳/۲۵ خلاصتاً چنین دفاع نموده است که عدم طرح دعوی در مراجع قضایی ناشی از فعل شکات بوده ثانیاً بیست میلیون ریال که اینجانب وصول نموده‌ام بابت بیست و چند روز تلاش و مطالعه و مشاوره بوده است. مشتکی عنه با انضمام و استناد به قرارداد وکالت فیما بین خود و شکات بند ۲ آن را بشرح ذیل‌الذکر مورد تأیید قرار داده است. (۲- میزان حق الوکاله طرح و یا تعقیب دعوی موکل یا دفاع از موکل در دعوی مطروحه علیه وی از مرحله فعلی و یا حل و فصل آن از طریق مذاکره حسب توافق کامل طرفین مبلغ یکصد میلیون ریال معادل ده میلیون تومان می‌باشد که به شرح زیر به وکیل پرداخت می‌گردد و یا پرداخت خواهد شد: الف) یک فقره چک به شماره.... عهده بانک.... شعبه.... کد.... به مبلغ بیست میلیون ریال به تاریخ ۱۰/۱۰/۸۱. ب) یک فقره چک به شماره.... عهده بانک.... شعبه... کد.... به مبلغ چهل میلیون ریال معادل چهار میلیون تومان به تاریخ ۸۱/۱۲/۲۵ که در صورتی که این چک به هر دلیلی زمان سررسید وصول نگردد عقد وکالت فوق فسخ و وکلای مرقوم فوق حق استعفا داشته و موکلین نسبت به مبالغ پرداختی حق مطالبه به هیچ وجه نخواهد داشت) با بررسی اوراق پرونده و بذل دقت در اظهارات و دفاعیات طرفین تخلف انتظامی مشتکی عنه محرز به نظر می‌رسد. اولاً بنابه اذعان و اقرار مشتکی عنه موضوع وکالت منتهی به طرح دعوی در مراجع قضایی نشده ثانیاً عقد وکالت فیما بین در کمتر از یک ماه منحل و منتفی شده است. ثالثاً بنابر تصریح مشتکی عنه ایشان علی‌رغم عدم طرح دعوی در مراجع قضایی و انتفای وکالت دو میلیون تومان را به عنوان حق الوکاله دریافت داشته است. رابعاً مشتکی عنه بند ۲ قرارداد وکالت بویژه شق ج آن را مستند استحقاق وجه مزبور دانسته است در صورتی که دو میلیون تومان وصول شده مربوط به چک شماره.... می‌باشد اما شق ج بند مزبور مربوط به چک شماره.... می‌باشد. خامساً علی‌الاصول استحقاق وکیل نسبت به حق الوکاله یا قسمتی از آن فرع بر طرح دعوی در مراجع ذیصلاح می‌باشد و بداهت این مطلب تا انجاست که نیازی به ذکر آن در قرارداد احساس نمی‌شود و به اصطلاح از شروط تبانی تلقی می‌گردد بنابراین عدم طرح دعوی ولو اینکه ناشی از فعل موکل باشد موضوع حق الوکاله را سالبه به انتفاء می‌سازد و در همین راستا چنانچه مشتکی عنه



مقدمتاً متحمل هزینه‌هایی شده باشد مستحق اجرت‌المثل خواهد بود (ماده ۶۷۵ قانون مدنی) استاد ارجمند دکتر کاتوزیان می‌فرماید هرگاه وکیل برای انجام دادن کاری که در دید عرف به عنوان مقدمه اجرای وکالت ضرورت دارد اجیر نگردد و خود عهده‌دار شود مستحق اجرت‌المثل این عمل اضافی است عقود معین ج ۴ ش ۲۰۶ یا قانون مدنی از نظم حقوقی کنونی ذیل ماده ۶۷۵ علی‌ای حال بنا بر مراتب مشتکی عنه مستحق وصول دو میلیون تومان حق‌الوکاله مورد بحث نبوده و این عمل با قوانین و نظامات ناسازگار بوده و برخلاف راستی و درستی و صداقتی است که برای هر وکیل لازم‌الرعایه می‌باشد لذا مستنداً به بند ۳ ماده ۸۱ عقیده به تعقیب مشتکی عنه داشته مجازات ایشان تقاضا می‌گردد.»

پس از موافقت با قرار مزبور در تاریخ ۸۳/۵/۲۰ کیفرخواست تنظیم گردیده و با انطباق مورد معنون با بند ۳ ماده ۸۱ آیین‌نامه تقاضای صدور حکم مجازات وکیل مشتکی عنه شده است. این کیفرخواست در پرونده ۱۳۲/۸۳ شعبه پنجم کانون وکلای مرکز مورد رسیدگی قرار گرفته و منتهی به صدور دادنامه ۱۱۰۳-۱۸/۷/۸۴ به شرح زیر شده است:

«به موجب کیفرخواست شماره ۱۸/۸۲ مورخ ۸۳/۵/۳۰ دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز آقای.... وکیل دادگستری مورد تعقیب انتظامی قرار گرفته و با استناد به بند ۳ ماده ۸۱ آیین‌نامه لایحه استقلال تقاضای کیفر وی گردیده است بدین شرح که وکیل مذکور مبلغ بیست میلیون ریال از شکات انتظامی (موکلین سابق خود) دریافت داشته و علی‌رغم عدم طرح هرگونه دعوی در مراجع قضایی و انحلال عقد وکالت از استرداد مبلغ مذکور به شکات امتناع می‌نماید دادگاه با توجه به محتویات پرونده و دلایل منعکس در آن و اقرار وکیل مشتکی عنه به دریافت مبلغ مذکور و ادعای او به اینکه این مبلغ بابت خدماتی است که در مورد تحقیق و بررسی موضوع انجام داده است موجه و مورد قبول دادگاه نمی‌باشد زیرا به موجب محتویات پرونده آنچه به وکیل مذکور پرداخت شده بابت حق‌الوکاله بوده نه حق‌المشاوره و وکیل مذکور هیچ‌گونه کار وکالتی انجام نداده است. لذا به نظر دادگاه تخلف وی ثابت بوده و آقای.... وکیل دادگستری را به استناد ماده ۸۱ قانون وکالت به شش ماه ممنوعیت از وکالت محکوم

می‌نماید.»

این دادنامه طی نامه شماره ۸۴/۵۷/۲۳۰/ج - ۸۴/۸/۲۴ جهت اطلاع آقای .... ارسال گردیده و مشارالیه ابتدا طی لایحه‌ای که به شماره ۲۸۸۷ - ۸۴/۹/۹ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده به رأی صادره اعتراض نموده و سپس به ضمیمه لایحه دیگری که به شماره ۴۵۹۰۶ - ۸۵/۲/۱۸ ثبت دفتر گردیده است رضایتنامه‌ای به شماره ۳۲۶۱۰ - ۸۵/۳/۲۵/ارایه نموده که به موجب آن آقای .... از شکایت مطروحه در پرونده ۱۰۳۳/۱۲ دادگاه عالی انتظامی قضات اعلام گذشت نموده است همچنین لایحه دیگری از طرف معترض ارایه گردیده که به شماره ۴۰۰۷ - ۸۵/۲/۲ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده است. متن کامل لوایح مزبور هنگام شور قرائت می‌شود. ریاست کانون وکلای مرکز نیز طی لایحه‌ای که به شماره ۳۱۴۷ - ۸۴/۱۰/۲ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردید ضمن اعلام مطالبی رد اعتراض را خواستار شده است.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب مذکور در فوق تشکیل است با بررسی مندرجات اوراق پرونده، قرائت گزارش تهیه شده و لوایح ارسالی و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی دادگاه

با عنایت به مراتب مزبور آقای .... دفاع مؤثری که عدم توجه تخلف اعلام شده را به وی ایجاب نماید اقامه نموده است. نهایتاً با در نظر گرفتن رضایتنامه‌ای که از طرف یکی از شکات پرونده پس از صدور رأی دادگاه انتظامی تنظیم گردیده و با امعان نظر به مجموع اوضاع و احوال قضیه، دادگاه وکیل مشتکی عنه را مستحق تخفیف دانسته و با تبدیل مجازات شش ماه ممنوعیت مندرج در دادنامه ۱۱۰۳ - ۸۴/۷/۱۸ شعبه پنجم دادگاه انتظامی وکلای مرکز به مجازات درجه ۳ نتیجتاً آقای .... به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می‌شود. این رأی قطعی است. /



کلاس پرونده: ۱۰۳۳/۱۱

حکم شماره: ۱۱۳۹ - ۱۳۸۵/۶/۱

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رئیسی، سیداحمد مرتضوی مقدم و رسول فرهودی اعضای دادگاه.

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض خانم .... و آقای ..... نسبت به دادنامه .... - ۸۴/۸/۸ شعبه اول دادگاه انتظامی وکلای مرکز.

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۸۳/۱۲/۴ خانم .... شکایتی علیه آقای ..... وکیل دادگستری در کانون وکلای مرکز مطرح نموده که پس از رسیدگی در دادسرای انتظامی کانون منجر به صدور کیفرخواست گردیده و باستناد بند ۶ ماده ۸۰ تقاضای صدور حکم مجازات شده است. این کیفرخواست در پرونده ۱۱۸/۸۴/۱ شعبه اول دادگاه انتظامی وکلای مرکز مرد رسیدگی قرار گرفته و منجر به صدور دادنامه مورخ ۸۴/۸/۸ و محکومیت وکیل مشتکی عنه به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون گردیده است.

پس از صدور رأی مزبور از یکطرف خانم .... به موجب لایحه‌ای که به شماره ۳۳۲۵ - ۸۴/۱۱/۱ ثبت دفتر دادگاه عالی انتظامی قضات گردیده به رأی صادره اعتراض نموده و تقاضای تشدید مجازات مندرج در رأی را نموده است و از طرف دیگر آقای .... طی لایحه‌ای که به شماره ۱۶۰۳۷ - ۸۴/۸/۱۵ ثبت دفتر کانون وکلای مرکز گردیده از کانون مزبور صدور حکم برائت خود را خواستار شده است و حسب دستور ریاست کانون اعتراض مزبور بمنظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال شده است متن کامل لوائح مذکور هنگام شور قرائت می شود.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است با بررسی مندرجات اوراق پرونده، قرائت گزارش تهیه شده و لوائح ارسالی و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت بصدور رأی می گردد.

### رأی دادگاه

با توجه به مراتب مزبور اولاً درخصوص اعتراض آقای.... به رأی مورخ ۸۴/۸/۸ شعبه اول دادگاه انتظامی مرکز نظر به اینکه مجازات تعیین شده در رأی مزبور درجه ۳ می‌باشد و طبق ماده ۱۴ لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مجازات‌های تا درجه ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است لذا اعتراض مشارالیه به رأی مذکور قابل رسیدگی در دادگاه عالی انتظامی قضات نمی‌باشد ثانیاً در مورد اعتراض خانم..... به رأی مزبور با توجه به اینکه اعتراض مؤثری از طرف مشارالیه مطرح نگردیده است با رد اعتراض معنون رأی صادره استوار می‌شود. این رأی قطعی است. /



شماره دادنامه: ۱۳۴

تاریخ صدور رأی: ۸۵/۶/۱۲

شماره کلاسه دادسرا: ۳۰۱/۸۴

مرجع رسیدگی: شعبه اول

شماره کلاسه دادگاه: ۱۷/۸۵

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرای انتظامی و ثبت آن به کلاسه ۱۷/۸۵ و صدور کیفرخواست سرانجام شعبه دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

### رأی دادگاه

نظر به اینکه مشتکی عنه مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان از شاکی دریافت کرده در حالی که در وکالتنامه تنظیمی فیمابین خود و موکل میزان حق الوکاله را یکصد هزار تومان قید کرده است و بر ادعای خود مبنی بر قرض بودن مبلغ دریافتی دلیلی ارایه



نموده، شاکی نیز منکر این ادعا می‌باشد، بنابراین مدافعات وکیل مشتکی عنه مردود و با احراز تخلف او دایر بر اخذ وجه زاید بر حق الوکاله که بتراضی در وکالتنامه با موکل قرار داده و انطباق عمل وی با بند ۴ ماده ۸۰ به نظر دادگاه استناد داسرا صحیح نبوده لذا با عنایت به عدم سوابق محکومیت انتظامی مشتکی عنه با یک درجه تخفیف به استناد بند ۴ ماده ۸۰ ناظر به بند ۳ ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری مشتکی عنه را به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می‌نماید.



شماره دادنامه: ۲۰۶

تاریخ صدور رأی: ۸۵/۷/۲

شماره کلاسه داسرا: ۲۶۷/۸۳

مرجع رسیدگی: شعبه اول

شماره کلاسه دادگاه: ۳۷۲/۸۴

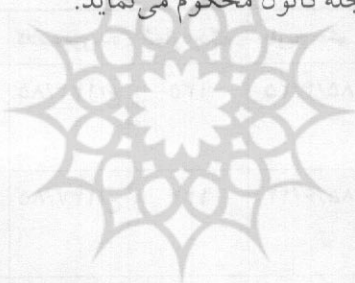
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرای انتظامی و ثبت آن به کلاسه ۳۷۲/۸۴ و صدور کیفرخواست سرانجام شعبه دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### رأی دادگاه

در پرونده‌های تشکیل شده در دادسرای انتظامی خانم.... و آقای..... و دادیار محترم.... علیه آقای..... وکیل دادگستری به خاطر رفتار و گفتار خلاف نزاکت و نوشتن لوابیح خلاف احترام در جریان پرونده‌هایی که نامبرده وکالت داشته به دادسرای کانون وکلا شکایت کرده‌اند طبق محتویات پرونده علیه وکیل یاد شده در موارد بالا شکایات کیفری نیز مطرح گردیده است هرچند آقای.... احکام قطعی برائت خود را دربارہ

شکایات کیفری تقدیم نموده، لیکن ملاحظه می‌شود وکیل مشتکی عنه در لوایح تقدیمی و اظهارات خود در مراجع قضایی از عبارات و کلمات خلاف احترام و نزاکت نسبت به اصحاب دعوی و دادیار دادسرا استفاده کرده است. گفتن و نوشتن مکرر عنوان همسر شخصی ملعون و معدوم نسبت به خانم..... و اظهار نمودن دادیار اختصاصی و مانند آن درباره دادیار دادسرای عمومی و در لوایح تقدیمی به دادسرا و دادگاه انتظامی نیز این اظهارات را تکرار کرده است. دادگاه این قبیل اظهارات و نوشته‌ها را خلاف اخلاق و نزاکت یک وکیل می‌داند و عمل وکیل یاد شده را منطبق با بند ۱۰ ماده ۸۰ آیین‌نامه دانسته و او را مستحق مجازات انتظامی درجه ۴ قید شده در ماده ۸۰ می‌داند و اما به خاطر نداشتن سابقه محکومیت انتظامی وکیل نامبرده را با یک درجه تخفیف به مجازات درجه ۳ مندرج در ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا با توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می‌نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی